



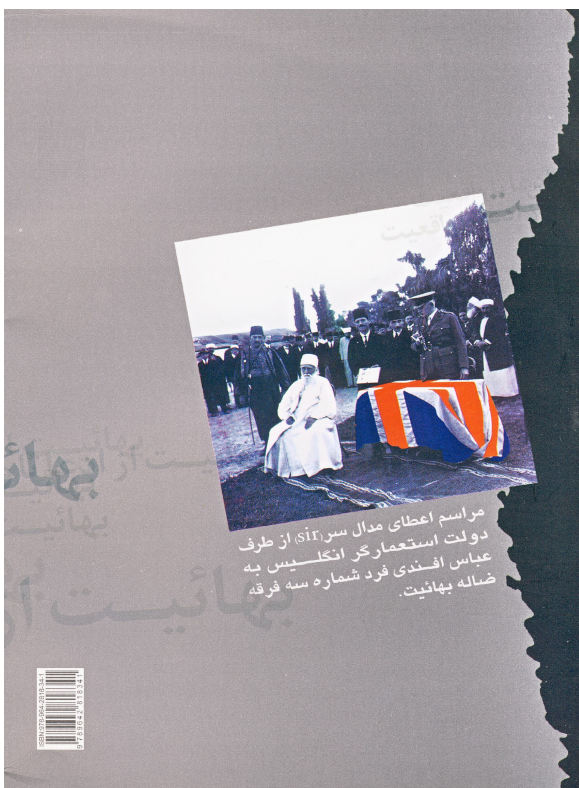
بهائیت

از ادعا تا واقعیت

(سلسله مباحث بهائی شناس)

مؤلف: مهدی کریمی

بهائیت از ادعا تا واقعیت



انتشارات : راد نگار

به نام خدا
اللهم عجل لولیک الفرج

www.bahaismiran.com پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

با سلام
تدیرو ورود شما دوستان گرامی که در راستای مبارزه با جهان کفر و اسلام ستیزانی همچون بهائیان گامهایی نو برداشته
اید را تبریک گفته و از خداوند متعال پیروزی روز افزون شما را در این عرصه خواستار است.
درضمن این پایگاه (اینترنتی بهائیت در ایران www.bahaismiran.com) آمادگی کامل
همکاری در جهت افزایش غنای علمی با کلیه عزیزان فعال در این عرصه را اعلام نموده و انتظار عمل متقابل از سوی
دوستان را نیز دارد.
و از شما عزیزان انتظار تبلیغ سایت بهائیت در ایران را که یک سایت جامع در زمینه ارائه کتب ، مقالات ، سخنان و
خاطرات متبریان از بهائیت ، تصاویر، صوت ، فیلم ،... و هر گونه سندی که در جهت افشاگری بر علیه فرقه ضاله بهائیت
می باشد را دارد.
امید آنکه بتوان در جهت روشنگری اذهان مسلمین و تنویر افکار فریب خوردگان این فرقه ضاله گامهایی ارزشمند
برداشت.
موفق باشید

منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

bahaismiran@bahaismiran.com

bahaismiran@gmail.com

info@bahaismiran.com

bahaism@yahoo.com

www.bahaismiran.com

فهرست

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵	1. اصول اعتقادات اسلامی
۱۴	2. دین سازان و مدعیان دروغین مهدویت و بابیت
۲۰	3. ادعای بابیت میرزا علی محمد
۳۰	4. موضوع قائمیت در آثار بهائیت
۳۶	5. خاتمیت اسلام و بهائیت
۳۸	6. نفی اصل توحید توسط سران بهائی
۴۱	7. استهزای احکام الاهی توسط باب و بهاء
۴۶	8. دستهای پنهان و آشکار استعمار در پیدایش فرقه بابی گری و بهائی گری
۵۳	خاتمه
۵۴	آشنایی با تعدادی از سایت های روشنگر ماهیت فرقه ی ضاله بهائیت

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم كن لوليک الحجه بن الحسن

صلواتک علیه وعلى آبائه

فی هذه الساعه وفى کل الساعه

ولیا وحافظا وقاندا وناصرا ودلیلا وعینا

حتى تسکنه ارضک طوعا

وتمتعه فیها طویلا

ظهورش را از خدا بخواهید و به سوی انقلابش بشتابید!

از خداوند تعالی مسألت می کنم که ظهور ولی عصر سلام الله علیه را نزدیک و چشم های ما را به جمال

مقدسش روشن بنماید. ما همه انتظار فرج داریم و

باید در انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش

کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور فراهم شود.

امام خمینی رحمه الله علیه

این اثر مختصر به همکاران و حق جویان ارجمند که در انتظار امام زمانشان ادای
وظیفه می کنند و به امید ظهور او به تلاش ادامه می دهند، تقدیم می شود. امید است
این نوشته وسیله ای باشد در دفاع از حریم مقدس مولایمان، قیم زمان، قلب عالم امکان، حضرت حجه بن الحسن
العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف، و نیز برای
حفظ و هدایت فرزندان آن حضرت، تا در دام مغرضان و شیادان از خدا بی خبر نیفتند.
ان شاء الله

سلسله مباحث بهائی شناسی :

بهائیت از ادعا تا واقعیت

۱- اصول اعتقادات اسلامی

اصول ذیل از مهم ترین مبانی اعتقادات اسلامی است که بر پذیرش قلبی و التزام عملی به آن ها تأکید
بسیار شده است:

توحید، یگانه پرستی و عبودیت پروردگار.

اعتقاد به پیامبران الهی (نبوت) و این که پیامبر اسلام (ص) آخرین پیام آوری است که رسالتش جهانی است و اسلام آخرین دین الهی است که از آن به اصل خاتمیت تعبیر می شود.

کلام الهی قرآن، آخرین و جامع ترین کتاب آسمانی و معجزه ی جاوید پیامبر گرامی اسلام (ص) است.

معاد و جهاد پس از مرگ و حساب و حساب رسی روز جزا.

عدالت پروردگار بر مبنای توحید و معاد.

اعتقاد و معرفت به امامت دوازده امام (عم)، جانشینان برگزیده ی خداوند به معرفی پیامبر (ص).

باور داشتن اصل قائمیت یعنی شناخت امام دوازدهم، فرزند امام حسن عسگری (ع) به عنوان موعود

ادیان و مهدی اسلام با ویژگی های:

- تولد پنهانی

- غایب بودن از انظار

- برخورداری از عمر طولانی

- ظهور و قیام به فرمان الهی

- برقرار کننده قسط و داد و امنیت، و نابود کننده بساط ظلم و جور

- تشکیل دهنده حکومت جهانی واحد اسلام و خداپرستی در سراسر گیتی

گردن نهادن به امر و سفارش امام عصر (ع) درباره مراجعه به فقها و مراجع تقلید برای به دست آوردن

احکام اسلامی و دانستن وظایف شرعی خود در ایام غیبت کبرا.

۱-۱. اعتقاد به خدای یگانه و پرستش او

دعوت انسان ها به سوی خدای یگانه و پرستش او، مهم ترین و بنیادی ترین اصل در رسالت پیامبران الهی، و کلمه ی طبیه ی «لا إله إلا الله» پایه ی همه ی ادیان است. از این رومبارزه با شرک و بت پرستی و دعوت به سوی عبودیت پروردگار سرلوحه ی رسالت پیامبران قرار دارد. اولین دعوت پیامبر گرامی اسلام (ص) با جمله ی معروف «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» آغاز شد و اولین قدم رسالت ایشان، دعوت مردم به توحید بود. ادای تمامی اعمال عبادی از قبیل نماز و روزه، حج، زکات و حتی برنامه های اجتماعی و خانوادگی، بر محور توحید و قربه الی الله است.

اولین دعوت پیامبران الهی هم چون نوح، هود، صالح و شعیب، فراخواندن مردم به پرستش و بندگی خدای یگانه بوده است. (1-هود. 25 و 50 و 61 و 84) در قرآن کریم بر موضوع توحید تأکید بسیار شده است. آیاتی

در معرفی خداوند متعال از قرآن:

-الله لا إله إلا هو الحي والقيوم

-لا شريك له

-قل هو الله أحد *الله الصمد *لم يلد ولم يولد

-يحيى ويميت

-ليس كمثله شيء

-هو الأول و الآخر

همه ی احادیث نقل شده از پیامبر اسلام(ص) وائمه ی اطهار(عم) بر اصل مهم توحید وعبودیت پروردگار دورمی زند.شهادت و گواهی بر خدای یگانه نیز به صورت واجب یا مستحب در غالب احکام اسلام به چشم می خورد.

قران می فرماید:وما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحی إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون.(1-انبیاء/25)
ترجمه:ماپیش از توهیچ پیامبری رانفرستادیم،مگر این که به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست،پس تنها مرا پرستش کنید.

ومن یقل منهم إنی إله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمین.(2-انبیاء/29)
ترجمه:هرکس از ان هابگوید من جز خدا،معبودی دیگر هستم،کیفرا او راجهنم می دهیم وستمگران را این گونه کیفر خواهیم داد.

۱-۲. خاتمیت

اصل خاتمیت یکی از اساسی ترین وریشه دارترین عقاید اسلامی است که عموم مردم مسلمانان به ان معتقدند.بر پایه ی این اصل اعتقادی،پیامبر اسلام حضرت محمد(ص)اخرین پیامبران الهی،وقران پایان دهنده ی کتب اسمانی،واسلام اخرین دین الهی است.
ایات فراوانی درقران کریم بر خاتمیت پیامبر اسلام وشریعت ان حضرت دلالت می کنند.درذیل به ایاتی اشاره می شود:

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا.(3-فرقان/1)

ترجمه:مبارک است آن خدایی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بر تمامی اهل عالم بیم دهنده باشد.

ماکان محمدأبا أحد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین.(1-احزاب/40)

محمد(ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده ی خدا و پایان دهنده ی پیامبران است.

روایات زیادی نیز از پیامبر اکرم(ص) وائمه طاهرین(عم) در موضوع خاتمیت آمده است که به چند نمونه از آن ها اشاره می شود:

پیامبر اکرم(ص) در حدیث منزلت و جاهای دیگر بارها فرمودند که «لا نبی بعدی»(2- ر.ک: کلینی: الکافی 8/25 ح4؛ و 8/106 ح80: الصدق: من لا یحضره الفقیه 4/163 ح5370؛ و علامه مجلسی: بحار الانوار 2/225 ح3) در روایات دیگر فرمودند: «جئت و ختمت الانبیاء» ((صحیح مسلم 207/ چاپ مصر)؛ آدم و سلسله انبیا را ختم کردم.

امام باقر(ع) از پیامبر اکرم(ص) روایت فرموده اند که:

أیها الناس انه لا نبی بعدی ولا سنه بعد سنتی.(4- شیخ صدوق: من لا یحضره الفقیه 4/163 ح5370؛ و شیخ حر عاملی: وسائل الشیعه 28/337 ح34900).

ترجمه: ای مردم همانا پس از من پیامبری و پس از شریعت و سنت من روش و سنت دیگری نیست.

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند:

ان الله تعالى ختم بنبیکم النبیین فلا نبی بعده أبداً و ختم بکتابکم الکتب فلا کتاب بعده أبداً.(شیخ

کلینی: الکافی 1/269 ح3)

ترجمه: به درستی که خدای متعال به پیامبر شما پیامبران را پایان داد، پس بعد از او تا ابد پیغمبری نخواهد آمد و به کتاب شما (قرآن) کتب آسمانی را پایان بخشید پس تا ابد کتاب دیگری جز قرآن نخواهد بود.

با توجه به آیات و روایات در زمینه ی خاتمیت، نپذیرفتن این موضوع به فرو رفتن در ورطه ی گمراهی و ضلالت می انجامد.

۱-۳. نگاهی کوتاه به مباحث مربوط به امام عصر ارواحنا فداه (قائمیت)

با تحقیق و مطالعه در متون اسلامی اعم از منابع شیعه و منابع مهم اهل سنت، می بینیم امام دوازدهم را فرزند امام حسن عسکری (ع) معرفی کرده اند که در سال 255 هجری قمری متولد شده و دارای ویژگی های غیبت، رول عمر و برقراری عدالت جهانی و... است.

بیش از 130 آیه از آیات قرآن کریم را ائمه ی اطهار (عم) در باره ی حضرت مهدی سلام الله علیه تبیین و تأویل کرده اند. (سید هاشم بحرانی: سیمای حضرت مهدی در قرآن).

در کتاب منتخب الأثر (3- آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی: منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر) 6000 حدیث از حدود 200 کتاب از منابع اهل سنت و شیعه جمع آوری شده است. نویسنده این کتاب را در ده فصل و صد باب موضوع بندی کرده است.

در کتاب منشور عقاید امامیه (شیعه)، تألیف آیت الله جعفر سبحانی، در اصل 96 خصوصیات امام دوازدهم مصلح جهانی در روایات اسلامی که شیعه و سنی به نقل آن ها پرداخته اند، به این شرح بیان شده است:

عنوان موضوع در خصوص امام عصر(ع)	تعداد حدیث
1- حضرت مهدی از اهل بیت پیامبر است.	389 حدیث
2- از فرزندان امیر المؤمنین علی (ع) است.	214 حدیث
3- از فرزندان فاطمه ی زهرا سلام الله علیها است.	192 حدیث
4- نهمین فرزند از اولاد امام حسین (ع) است.	148 حدیث
5- از فرزندان امام زین العابدین (ع) است.	185 حدیث
6- از فرزندان امام حسن عسکری (ع) است.	146 حدیث
7- دوازدهمین امام از ائمه ی اهل بیت (عم) است.	136 حدیث
8- روایاتی که از ولادت او گزارش می دهد.	214 حدیث
9- عمر او طولانی خواهد بود.	318 حدیث
10- غیبت طولانی خواهد داشت.	91 حدیث
11- به هنگام ظهور او اسلام جهان گیر می شود.	27 حدیث
12- زمین را پر از عدل و داد می کند.	132 حدیث

بنا بر روایات فوق، وجود چنین مصلح جهانی در آینده ی تاریخ بشر از دیدگاه روایات اسلامی امری مسلم و تردید ناپذیر است.

شایان توجه است که بیش از سه هزار کتاب به همت علما و محققان اسلامی در باره ی امام زمان (ع) به رشته ی تحریر و تحقیق آمده است.

۱-۳-۱. طول عمر امام زمان (ع)

از جمله ویژگی های مهم امام زمان (ع) موضوع طول عمر آن حضرت است که در 318 حدیث ذکر شده است. شیعه با اعتقاد راسخ به آن امام توسل پیدا می کند، سلام می دهد، به او دعا می کند و آرزوی ملاقات او را دارد. تعداد زیادی از شیعیان به خدمتش نایل شده اند. غیبت آن حضرت از طول عمر ایشان حکایت می کند. انتظار فرج، حاضر بودن آن حضرت را در بردارد. در این جا از دو زاویه موضوع طول عمر به اجمال بررسی می شود:

علم و مسأله ی طول عمر

از نظر علمی هیچ دلیلی بر محال بودن طول عمر وجود ندارد. حیات و زندگی، امری طبیعی و عادی برای انسان هاست و مرگ، معلول علت های گوناگون است.

ادیان الاهی و طول عمر

از دیدگاه ادیان الاهی مسأله ی طول عمر از جمله موضوعات اعتقادی است. انسان موحد و خداپرست به این که خداوند متعال بر هر کاری قادر و تواناست، ایمان و اعتقاد دارد.

در تورات از ده ها نفر نام برده شده است که از عمر طولانی برخوردار بوده اند. مسیحیان افزون بر پذیرش طول عمر پیامبران و افرادی در قرون گذشته، به طول عمر وزنده بودن آن حضرت عیسی (ع) نیز اعتقاد دارند.

قرآن نیز ماجرای افراد وامت هایی را ذکر می کند که دارای عمری طولانی بوده اند. از جمله در قرآن: طول عمر حضرت نوح را قبل از طوفان، 950 سال بیان کرده است. (عنکبوت/14)

درباره ی حضرت یونس (ع) می فرماید:

اگر یونس از تسبیح کنندگان نبود، تا روز قیامت او را در شکم آن نهنگ نگه می داشتیم. (صافات/143)
پس از آن که نعمت ها را بر انکار کنندگان پیامبران می شمرد، یکی از نعمت ها را طول عمر بیان می کند.

۱-۳-۲. معرفی چند کتاب درباره ی امام زمان ارواحنا فداه

-آیه الله صافی گلپایگانی: نوید امن وامان.

-ابراهیم امینی: دادگستر جهان.

-محمد رضا حکیمی: خورشید مغرب.

-سید هاشم بحرانی: سیمای امام مهدی (ع) در قرآن.

-سید محمد بنی هاشمی: معرفت امام عصر (ع)

-سید محمد بنی هاشمی: آفتاب در غربت.

-سید حسن افتخارزاده: گفتارهایی پیرامون امام زمان (ع).

-سید حسین حسینی: ذکر محبوب.

-سید محمد کاظم قزوینی: امام مهدی(ع) از ولادت تا ظهور.

-ابراهیم امینی: دادگستر جهان.

-محمد رضا حکیمی: در فجر ساحل.

-حسین تاجری: انتظار بذر انقلاب.

-جلال برنجیان: فرهنگ و تمدن جهان در عصر موعود.

تذکر: بادقت و توجه در مطالبی که در ادامه درباره ی اعتقادات فرقه ی باییه و بهائیه ارائه خواهد شد، روشن می شود که مطالب اعتقادی این فرقه به عنوان دست پروردگان استعمار، بر خلاف ادعاهایشان مبنی بر پذیرش مبانی ادیان الهی، با همه ی اصول اعتقادی اسلام و صریح آیات قرآن و آموزه های تمام پیامبران الهی مخالفت آشکار دارد.

۲- دین سازان و مدعیان دروغین مهدویت و بابیت

۲-۱. پیدایش فرقه ی باییه و بهائیه

کشور ما ایران در قرن 13 قمری / 19 میلادی گرفتار توفان سیاسی بی رحم و ویرانگری شد که ناشی از رویارویی دو غول بزرگ استعمار و استثمار آن زمان، امپراطوری های انگلیس و روس بود. بر اثر ضعف

حکومت سلسله ی قاجار، کشور هدف حملات بیگانگان قرار گرفت. تزارهای روسیه تصمیم داشتند که بنا به تأکید پتر کبیر، سلطه ی خود را بر ایران گسترش دهند واز ایران به آب های گرم خلیج فارس راه یابند. برای رسیدن به این اهداف، دو جنگ خانمان سوز را به ایران تحمیل کردند. در این دو جنگ، روس ها متوجه نیروی علما در میدان مبارزه با استعمار شدند، زیرا مردم با فرمان فقها و پیشوایان مذهبی هم چون آیت الله کاشف الغطاء، ملا احمد نراقی، آقای سید محمد مجاهد اصفهانی و ملا محمد جعفر استر آبادی برای دفاع از کشور بسیج شدند و پیشروی شایانی کردند. در این جنگ، روسیه ی تزاری متحمل ضربه ی سنگینی از ایران شد و حتی فرمانده ی قوای روسی نیز از پای درآمد.

این شرایط، روسیه را وادار کرد تا با رقیب خود انگلیس، از در سازش در آید. آنان از وضعیت حاکم در دربار قاجار به ویژه رقابت و حسادت شدید میان شاهزادگان سود جستند و تلاش کردند تا در وحدت و یکپارچگی میان ارتش و مردم ایران رخنه ایجاد کنند. در این زمینه برای حذف عامل اصلی مقاومت وهم بستگی مردم مسلمان ایران در برابر بیگانگان یعنی تبعیت ایشان از فقها و پیشوایان مذهبی اقدامات مختلفی انجام دادند.

از جمله ی این اقدامات، طرح پروژه استعماری دسیسه آمیزی است که جاسوسان زبردست دولت روس، به خصوص کینیاز دالگورکی شاهزاده و کارمند قوی سفارت روس در ایران به اجرا در آوردند. در این طرح آن ها به دنبال علم کردن نایب خاص جعلی برای امام زمان (ع) بودند، تا از این طریق بتوانند نفوذ مراجع تقلید و فقها را در میان مردم بی اثر کنند. بدین منظور کینیاز دالگورکی، طلبه ای کم سواد از مکتب شیخیه به نام میرزا علی محمد شیرازی را شناسایی کرد و مناسب مقصود خود تشخیص داد. وی

توانست میرزا علی محمد را تشویق کند تا در سال 1260 هجری قمری خود را باب امام زمان (ع) بنامد. سپس او را به ادعاهای دیگری از جمله ادعای امام زمانی، نبوت و پیامبری و حتی ادعای خدایی و اداری کردند. بدین وسیله آن ها موفق شدند مردم رنج دیده و جنگ زده و شکست خورده را به جان هم اندازند و سرانجام فرقه ی باییه و سپس بهائیه را به وجود آوردند. (1- برای آشنایی بیشتر به کتاب های «بابی گری و بهائی گری» نوشته ی محمد مهدی اشتهاردی و «بهائیت در ایران» تألیف دکتر زاهدانی و خاطرات پرنس دالگورکی مراجعه شود.)

هر چند طرح ها کاملاً محرمانه و پوشیده بود، اما پس از انقراض دولت تزار روسیه روشن شد که فرقه ی باییه و بهائیه، ساخته و پرداخته ی یکی از کارکنان مرموز روسی است که بعداً به مقام سفارت رسید. هر چند مبلغان بهائی در کتمان این حقیقت تلاش فراوان می کنند، اما آن قدر اسناد و مدارک در آثارشان وجود دارد که جای هیچ انکاری نمی ماند. (2- پاره ای از این مدارک ذیل عنوان 8 دست های پنهان و آشکار استعمار در پیدایش فرقه ی باییه و بهائیه می آید.)

۲-۲. سران بابی و بهائی گری

۲-۲-۱. میرزا علی محمد باب شیرازی

میرزا علی محمد، فرزند میرزا رضا بزاز در سال 1325 قمری در شیراز به دنیا آمد و بعد از تحصیلات مقدماتی، در سال 1260 قمری، به تحریک و تشویق پرنس دالگورکی (نماینده ی دولت روس) ادعای بابیت، و سپس ادعاهای قائمیت، نبوت و خدایی کرد. سرانجام در 1264 قمری، در مجلسی که ولیعهد، ناصرالدین

میرزا ترتیب داد، در حضور علمای تبریز توبه نامه ی معروف خود را نوشت و در آن، تمام ادعاهای خود را صریح و واضح تکذیب، و از شاه تقاضای عفو و بخشش کرد. میرزا محمد علی در سال 1266 به دنبال اغتشاش های مختلف در سطح کشور، که به رهبری پنهان و آشکار خودش صورت می گرفت، به دستور امیر کبیر در تبریز اعدام شد.

القاب میرزا علی محمد شیرازی: باب، نقطه ی اولی، حضرت اعلی، ذات حروف سبع (صاحب هفت حرف ع- ل- ی- م- ح- م- د) علی قبل نبیل. (نبیل به حروف ابجد 92 بوده و برابر با کلمه محمد است؛ پس علی قبل نبیل یعنی علی محمد).

مهم ترین آثار وی عبارت اند از: تفسیر سوره ی یوسف یا/حسن القصص، تفسیر سوره ی بقره، تفسیر سوره ی کوثر، صحیفه ی عدلیه، بیان فارسی، بیان عربی.

۲-۲-۲. میرزا یحیی معروف به صبح ازل

میرزا علی محمد، فردی به نام میرزا یحیی نوری را در کتاب خود به جانشینی خود برگزید. (میرزا علی محمد شیرازی: الواح خطی/ 5 به بعد) میرزا حسین علی نوری بیش از 10 سال از برادر خود میرزا یحیی که کارگردان نقشه های دولت روس بود، تبعیت کرد. سپس به هوس ریاست افتاد؛ علیه او شورید و در کتاب خود، به برادرش و جانشین میرزا علی محمد لقب حمیر (الاغ) داد. (میرزا حسین علی نوری: بدیع/ 174) وی اعلام کرد که برادرش میرزا یحیی به همسر میرزا علی محمد باب تجاوز کرده و سپس او را در اختیار دیگران قرار داده است. (همان مدرک/ 379)

پس از آن میرزا حسین علی با دسیسه ی پنهان دولت روسیه، ادعای پیغمبری و من یظهره اللهی کرد و از برادر خود جدا شد.

پیروان میرزا یحیی به ازلی و پیروان میرزا حسین علی به بهایی معروف شدند. بر اثر اختلاف شدید میان دو برادر، دولت عثمانی میرزا یحیی را به جزیره ی قبرس و میرزا حسین علی را به عکا تبعید کرد.

۲-۲-۳. میرزا حسین علی بهاء

میرزا حسین علی نوری معروف به بهاءالله، فرزند میرزا عباس معروف به میرزا بزرگ نوری مازندرانی بود. پدرش در دستگاه حاکم تهران سمت منشی گری داشت. میرزا حسین علی در سال 1260 در زمره ی پیروان باب در آمد و به پشتیبانی دولت روس بلواها و آشوب هایی را در کشور سازماندهی کرد. آشوب خراسان، بلوای بابل، فتنه ی قلعه ی طبرسی، آشوب زنجان، واقعه ی ننگین بدشت و ایجاد زمینه ی توطئه برای ترور ناصرالدین شاه از جمله ی فعالیت های اوست. میرزا حسین علی پس از اختلاف با برادرش، خود را محور اصلی آیین جدید معرفی کرد و میرزا علی محمد باب را مبشر خود دانست و با این ادعا، بهائیت را به راه انداخت.

القاب میرزا حسین علی: بهاءالله، جمال قدم، جمال مبارک، جمال ابهی، من یظهره الله، مالک وجود.

از جمله ی آثار او: /ایقان، اشراقات، اقتدارات، ادعیه ی حضرت محبوب، مبین و بدیع.

۲-۲-۴. عباس افندی

میرزا حسین علی سفارش کرد که بعد از وی، دو فرزندش به ترتیب عباس افندی به لقب غصن اعظم و سپس محمد علی به لقب غصن اکبر جانشین او باشند. (میرزا حسین علی نوری: ادعیه ی محبوب/418) ولی پس از مرگ وی، عباس افندی به مخالفت با برادر برخاست و شوقی افندی را که نوه ی دختری خودش بود برخلاف وصیت پدرش به جانشینی خویش برگزید. پیروان عباس افندی به نام ثابتین و پیروان محمد علی به نام ناقضین معروف شدند.

مقاله ی شخصی سیاح، مفاوضات، خطابات در دو جلد، مکاتیب در سه جلد والواح وصایا از جمله آثار عبدالبهاء است.

۲-۲-۵. شوقی افندی

چنان چه ذکر شد، عباس افندی بر خلاف سفارش پدرش، نوه ی دختری خود به نام شوقی افندی را به جانشینی خود معرفی کرد. آن گاه تأکید ورزید که تعداد جانشینان پدرش، میرزا حسین علی بهاء، دو برابر جانشینان پیامبران ادیان قبل یعنی بیست و چهار نفر هستند. (عباس افندی: مفاوضات/46) نفر اول خودش و نفر دوم شوقی افندی (به لقب ولی امرالله و ریاست دایمی بیت العدل مرکز جهانی بهائیان در اسرائیل) و بیست و دو نفر دیگر پس از وی که در فرزندان ارشد از نسل شوقی ادامه می یابد. در کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی (احمد یزدانی: نظر اجمالی در دیانت بهائی/62) آمده است که از قضای روزگار

شوقی افندی عقیم بود واز وی فرزندی به وجود نیامد و بیست و دونفر دیگر از جانشینان در صلب شوقی متوقف شدند.

از جمله آثار شوقی کتاب قرن بدیع در چند جلد است.

۲-۲-۶. بیت العدل عمومی

پس از مرگ شوقی، رهبری بهائیان بر عهده ی بیت العدل عمومی یا مرکز جهانی بهائیان در اسرائیل قرار گرفت که به رغم پیش بینی عبدالبهاء درباره ی رهبری بیست و چهار گانه، در حال حاضر بدون ریاست جانشینان پیش بینی شده، به فعالیت مشغول است. بیت العدل، مجمعی نه نفره است که با همکاری صهیونیسم، انگلیس، امریکا و بعضی از دول غربی، جامعه ی بهائیان را در جهان اداره می کند و اعضای آن عمدتاً امریکایی، انگلیسی، اسرائیلی و بعضاً ایرانی اند.

۳- ادعای بابیت میرزا علی محمد

۳-۱. ادعای بابیت میرزا علی محمد به روایت عباس عبدالبهاء

عباس عبدالبهاء پس از معرفی میرزا علی محمد باب می نویسد:

در سنه ی هزار و دویست و شصت، در سن بیست و پنج در شیراز، در روش و حرکت و اطوار و حالات او آثاری نمودار شد که آشکار گردید شوری در سر و پروازی دیگر در زیر پر دارد. آغاز گفتار نمود و مقام

باییت اظهار، واز کلمه ی باییت مراد اوچنان بود که من واسطه ی فیوضات از شخص بزرگواری هستم که هنوز در پس پرده ی عزت است ودارنده ی کمالات بی حصر وحد.به اراده ی او متحرکم وبه جبل ولایش متمسک ودر نخستین کتابی که در تفسیر سوره ی یوسف مرقوم نموده در جمیع مواضع آن،خطاب هایی به آن شخص غایبکه از او مستفید ومستفیض بوده نموده...وتمنای فدای جان در سیبیل محبتش نموده از جمله این عبارت است«یا بقیه الله قد فدیت بکلی لک»(عباس افندی:مقاله شخصی سیاح/3)

ترجمه:ای باقی گذارده ی خدا(بقیه الله)،همانا با تمام وجودم فدای تو گردم.

عباس افندی در صفحات بعدی کتابش تلاش می کند،میرزا علی محمد را باب وریب پدرش میرزا حسین علی معرفی،واین گونه القا کند که منظور از ادعای باییت باب وخطاب های وی،باییت میرزا حسین علی است.

شوقی افندی هم به نوبه ی خود سعی می کند تا خطاهای میرزا علی محمد را به میرزا حسین علی نسبت دهد،(شوقی افندی:قرن بدیع 7/2.تمامی مبلغان بهائی هم این مطلب را ادعا می کنند)در حالی که ویژگی هایی که در باره ی ادعای باب آمده است،به هیچ وجه با میرزا حسین علی مطابقت ندارد،بلکه آن ویژگی هارا تنها می توان به امام دوازدهم شیعیان یعنی فرزند امام حسن عسکری(ع)مطابقت داد.

۲-۳. نشانه های فرد مورد نظر میرزا علی محمد

نشانه های فرد مورد نظر میرزا علی محمد با توجه به عبارات عباس افندی به شرح زیر است:

- واسطه ی فیوضات از شخص بزرگواری است.

- در پس پرده ی عزت است.

- دارنده ی کمالات بی حد و حصر است.

- به حبل ولایش متمسک است.

- آن شخص غایب است.

- لقب او بقیه الله است.

- در نخستین کتاب خود به نام تفسیر سوره ی یوسف آن شخص غایب را معرفی کرده است.

واضح وهویدا است که میرزا حسین علی دارای هیچ یک از این مشخصات نیست. وی یک فرد عادی پیرو

باب بوده و حتی جزء 18 نفر اول پیروان باب نبوده است. (در فرقه ی بایه وبهائیه 18 نفر اولی که به باب

گرویدند، اهمیت بسیار دارند و برایشان احترام خاصی قایل اند.) او بعد از اعدام باب هم، بیش از ده سال

از جانشین برگزیده ی میرزا علی محمد یعنی میرزا یحیی تبعیت، و سپس به تحریک روسیه ی تزاری

ادعای مستقلی کرد و با برادر خود به مخالفت برخواست. بنابراین میرزا حسین علی:

نه در پس پرده ی عزت و نه غایب بوده است.

در هیچ جا لقب میرزا حسین علی به عنوان بقیه الله به کار نرفته است؛ بلکه این لقب حتی در آثار باب

ومبلغان بهائی از القاب امام دوازدهم (ع) است. از جمله فاضل مازندرانی، مبلغ مشهور بهائی این لقب را

متعلق به امام دوازدهم (ع) می داند. (فاضل مازندرانی: اسرار الآثار 67/2، ذیل کلمه ی بقیه الله.) میرزا علی

محمد نیز در آثار خود مکررا به این مسأله اشاره کرده که انی أنا عبد من بقیه الله؛ یعنی به درستی که من بنده ی حضرت بقیه الله امام زمان هستم.

بعلاوه میرزا حسین علی هرگز غایب نبوده است و مهم ترین نکته اینکه میرزا علی محمد در تفسیر سوره ی یوسف آن شخص غایب را معرفی کرده است. در این جا روشن شدن موضوع به این کتاب مراجعه می کنیم:

الله قد قدر أن یخرج ذالک الکتاب فی تفسیر أحسن القصص من عند محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن طالب علی عبده لیکون حجه الله من عند الذکر علی العالمین بلیغا. (تفسیر سوره ی یوسف اولین کتاب میرزا علی محمد می باشد که به أحسن القصص ویا قیوم الأسماء نیز معروف است. بخش اول این کتاب را اشراق خاوری مبلغ مشهور بهائیان در جلد اول کتاب خود بنام ریحق مختوم آورده است. این مطالب از کتاب ریحق مختوم 21/1-22 نقل می گردد)

ترجمه: همانا خداوند مقدر فرموده است که خارج سازد این کتاب را در تفسیر سوره ی یوسف از نزد (امام زمان) محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب بر بنده اش، تاحجت و دلیل باشد از نزد ذکر (یکی از القاب میرزا علی محمد) بر همه ی عالمیان.

بنا بر این از این نوشته ی باب به وضوح معلوم می شود که منظور و مراد وی از بقیه الله کیست و لذا تمام ادعاهای عبدالبهاء برای مطرح کردن پدرش، همه بی اساس و بی دلیل است.

۳-۳. من یظهره الله کیست؟

میرزا محمد علی در آثار خود به خصوص در بیان فارسی، بارها به شخصیتی تحت عنوان من یظهره الله (کسی که او را خدا ظاهر می گرداند) اشاره می کند. عباس عبدالبهاء و شوقی افندی و تمام مبلغان به پیروان خود القامی کنند که من یظهره الله میرزا حسین علی بهاء است. در حالی که او جایی مخفی نبوده که خدا او را ظاهر کند. وی به طور آشکار سردسته ی آشوب گران در تهران و شهرستان ها بوده است و در صدد توطئه ی ترور ناصرالدین شاه برمی آید. نقشه های ترور نافرجام می ماند و مجبور می شود به سفارت روس پناهنده شود. میرزا علی محمد باب در کتاب بیان فارسی، من یظهره الله را با چنین خصوصیتی معرفی می کند:

- با ذکر نامش بر او صلوات بفرستید.

ملخص این باب آنکه هر وقت ذکر شود من یظهره الله که نامش محمد است بر او

صلوات بفرستید. (میرزا علی محمد شیرازی: بیان فارسی/309)

-15 تا 20 قرن بعد از خودش می آید.

سال ظهور او را به حساب ابجد 1511 یا 2001 سال پس از شهر خودش می داند.

(همان مدرک/61)

- محل ظهورش در مسجد الحرام مکه است.

اول ارضی که محل ظهور جسد من یظهره الله در او ظاهر گردد، مسجد الحرام بوده و

هست. (همان مدرک/151)

- لقب من یظهره الله، قائم است.

آنگاه که اسم من یظهره الله را به لقب قائم شنیدید، از جای خود برخاسته، قیام کنید.

(همان مدرک/230)

- او امام دوازدهم محمد بن الحسن العسکری (ع) است.

میرزا محمد علی باب، ائمه (عم) را به جنت تعبیر کرده است و می نویسد:

مثلا در ظهور جنت خامس (امام حسین علیه السلام) هیچ جنتی بعد از جنات سابقه بر

آن در حین آخر حیات او اعظم تر نبود که آن وقت وحید بود. در ارض طف (کربلا)

وسکان جنت آنوقت علی بن الحسین (ع) واسرا بوده و همین قسم مشاهده کن کل

جنات را تا به حرف میم منتهی شود. (همان مدرک/58)

سپس در آخر کتاب، در برابر حرف میم و در توضیح آن می نویسد:

امام دوازدهم محمد بن الحسن العسکری (عج). (بیان فارسی، بخش لغات و اصطلاحات/5)

۳-۴. اعترافات میرزا علی محمد باب در ابلاغیه ی الف

از جمله آثار میرزا علی محمد باب ابلاغیه ی الف است که در آن هر گونه ادعایی را از خود سلب کرده

و نسبت دهندگان را هدف طعن و لعن قرار داده است. ابلاغیه ی الف مربوط به سال دوم ادعای باییت

اوست (1262 قمری). فاضل مازندرانی از مبلغان مشهور بهائی این ابلاغیه را در کتاب اسرار الآثار خصوصی

آورده است. (فاضل مازندرانی: اسرار الآثار خصوصی 1/179-182)

در این ابلاغیه وی پس از حمد و ثنای پروردگار، اعتقاد خود را به قرآن، خاتمیت حضرت محمد(ص)، ولایت ائمه ی اطهار(عم) و واجب بودن اطاعت از ایشان ذکر می کند و این مطالب را بیان می دارد:

-وما أنا ادعیت کلمه وحی.

ترجمه: و من ادعای وحی نکرده ام.

-وقالوا انه ادعی الولاية واختيها. قتلهم الله بما افتروا.

ترجمه: و گفته اند که من ادعای ولایت و دو خواهرش (2. در اسرار الآثار خصوصی 66/1 می نویسد: مراد

از اختیها، رسالت و نبوت است.) (یعنی نبوت و رسالت) را کرده ام

خدا ایشان را به آن چه افترا زده اند، بکشد.

ان بعض الناس قد افتروا علی کلمه البایه... لعنهم الله بما افتروا ما کان لبقیه الله صاحب الزمان بعد الأبواب الاربعه، باب منصوص ولا نائب مخصوص.

ترجمه: بعضی از مردم بر من افترا زده اند. خداوند ایشان را به آن چه افترا زده اند،

لعنت کند. از برای حضرت بقیه الله صاحب الزمان بعد از نایبان چهارگانه، باب و نایب

مخصوص و معین شده نیست و بر همه واجب است که او را تکذیب کنند.

وأشهد أن حلاله حلال الی یوم القیامه ولم ینسخ شریعتہ ولم یدل منهاجه.

ترجمه: و گواهی می دهم که حلال او (حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم) تا روز قیامت حلال است و شریعتش نسخ نمی شود و روش و منهاجش تبدیل نمی یابد.

وادامه می دهد:

هر کس حرفی را به شریعت آن حضرت کم یا زیاد کند، از اطاعت خدا خارج شده است. وان الوحي بمثل ما نزل عليه قد انقطع من بعد من عندك وان كتابه مهيمن على كل الكتب. ترجمه: و به درستی که وحی به مانند آن چه بر محمد صلی الله علیه وآله وسلم نازل گشته، قطعاً بعد از او جانب تو (خدای متعال) قطع شده است. و به درستی که کتاب او (قرآن) بر همه ی کتب سرآمد و مهیمن است.

و سپس ادامه می دهد:

من از هر کس که معراج جسمانی و معاد جسمانی و زنده شدن جسد را انکار کند، بیزار و روبره دور هستم. وأشهد ان اليوم كان حجتك محمد بن الحسن صلواتك عليه وعلى من التبعه. ترجمه: و گواهی می دهم که امروز حجت خدا حضرت محمد بن الحسن است؛ صلوات خدا بر او و پیروانش باد.

وأشهد أن بعد الأبواب الأربعة ليس له باب.

ترجمه: و شهادت می دهم به درستی که بعد از باب های چهارگانه، برای او باب دیگری نیست.

وأن في أيام غيبته علماء مستحفظين... وأشهد أن طاعتهم فرض.

ترجمه: و گواهی می دهم در ایام غیبت امام زمان (ع)، علما حافظان دین اند و گواهی می دهم که اطاعت از ایشان واجب است.

۳-۵. توبه نامه ی باب

البته باید در نظر داشت که با وجود همه ی این اعترافات، میرزا علی محمد به خاطر جاه طلبی، و نیز به تحریک و دسیسه های سفارت روسیه و مزدوران داخلی، ادعاهای گوناگون از بابت وقائیت و نبوت و حتی ادعای الوهیت و خدایی کرد و کلمات کفرآمیزی ابراز داشت. سراجام برای چندمین بار در مجلسی که به دستور محمد شاه و به کوشش ناصرالدین میرزا (ولیعهد) ترتیب داده شده بود، پس از عاجز ماندن از جواب گویی به علمای تبریز، از همه ی ادعای خود اعلام انصراف کرد و توبه نامه ی مشهور خود را نوشت. در این توبه نامه می نویسد:

«مرا مطلق علمی نیست که منوط بر ادعایی باشد».

وی ضمن طلب پوزش از الطاف شاهنشاهی، تقاضای عفو کرد.

نسخه ی اصلی این توبه نامه در اسناد مجلس شورای اسلامی نگه داری می شود. عین دست خط توبه نامه ی میرزا علی محمد باب در کتاب کشف الغطاء (1- ابوالفضل گلپایگانی: کشف الغطاء/ 204-205) نوشته ی ابوالفضل گلپایگانی، مبلغ مشهور بهائی و هم چنین در کتاب جمال ابهی (جمال ابهی/ 52-54) ثبت شده است. تصویر توبه نامه باب را در صفحه ی بعد ملاحظه فرمایید.

بر گرفته از کتاب " کشف الغطاء "

شیخ الاسلام را احضار کرده باب را چوب مضبوط زده تنبیه موقول نمود و توبه و بازگشت و از غلطهای خود انابه و استغفار کرد و التزام پابمهر سپرده که دیگر این غلطها نکند و الان محبوس و مقید است منتظر حکم اعلیحضرت اقدس همایون شهر یاری روح العالمین فداه است امر امر همایونی است انتهى.

چون در این عریضه انابه و استغفار کردن باب و التزام پابمهر سپردن حضرت مذکور است مناسب چنان به نظر میاید که صورت همان دست خط مبارک را نیز محض تکمیل فائده در اینمقام مندرج سازیم و موازنه انرا بالواحیکه از قلم جمال قدم در سجن اعظم بجهت ملوک و سلاطین عالم نازل گردیده بدقت نظر اولی انصائر واگذاریم.

صورت دستخط حضرت نقطه اولی بناصرالدین شاه در اوقات ولیعهدی او در تبریز که در علما جوابی نوشته اند. فداک روحی الحمدالله کماهو اهله و مستحقه که ظهورات فضل و رحمت خود را در هر حال بر کافه عباد خود شامل گردانیده فحمدائم حمداً که مثل آنحضرت را ینبوع رأفت و رحمت خود فرموده که بظهور عطوفتش عفو از بندگان و ستر مجرمان و ترجم بداعیان فرموده اشهدالله و من عنده که این بنده ضعیف را قصدی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت او باشد اگر چه بنفسه وجودم ذنب صرفست ولی چون قلبم موفق بتوحید خداوند جل ذکره و بنبوت رسول او و ولایت اهل ولایت اوست و لسانم مقرب کل ما نزل من عندالله است امید رحمت او را دارم و مطلقاً خلاف رضای حق را نخواسته ام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلم جاری شده غرضم عصبان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را و این بنده مطلق علمی نیست که منوط با دعایی باشد استغفرالله ربی و اتوب الیه من ان ینسب الی امر و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل برهیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجه الله علیه السلام را محض ادعی مبطل است و این بنده را چنین ادعائی نبوده و نه ادعای دیگر. مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آنحضرت چنان است که این دعا گو را بالطف و عنایت

سلطانی و رأفت و رحمت خود سرافراز فرمایند و السلام

صورت جوابی که مجتهدین تبریز در صدور ورقه نوشته اند

سید علیمحمد شیرازی شما در بزم همایون و محفل میمون در حضور نواب اشرف والا ولیعهد دولت بیزوال ایده الله وسدده ونصر وحضور جمعی از علماءاعلام اقرار بمطالب چندی کردی که هر یک یک جداگانه باعث ارتداد شما است وموجب قتل توبه مرتد فطری مقبول نیست وچیزیکه موجب تاخیر قتل شما شده است شبهه خبط دماغ است که اگر آن شبهه رفع بشود بلاتأمل احکام مرتد فطری بشما جاری میشود .خدم الشریعه المطهره محل مهر میرزا علی اصغر شیخ الاسلام محل مهر میرزا ابوالقاسم پسر شیخ الاسلام

50 در همین صفحه سطر(13)تفضیل خواب مهدی قلی میرزاست.

۴. موضوع قائمیت در آثار بهائیت

۴-۱. انکار وجود مقدس امام عصر(ع) توسط میرزا حسین علی بهاء

انکار وجود مقدس امام مهدی(ع) از سوی سران ومبلغان بهائی،چشم پوشی آشکاری است از همه ی منابع وماخذی که به وضوح،وجود گرامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را اثبات می کند.موضوعی که بیش از هزار سال شیعیان جهان به آن باور واعتقاد دارند.میرزا حسین علی،این خورشید تابان را موهوم دانسته ومی نویسد:

بعین بصیرت مشاهده کنید هزار سال او آزید، جمیع فرق اثنی عشریه نفس موهومی را که اصلاً موجود نبوده مع عیال و اطفال موهومه در مدائن موهومه محل معین نمودند. (میرزا حسین علی نوری: اقتدارات/244-265)

دیگر رهبران و مبلغان بهائی نیز به طرق مختلف سعی دارند، وجود آن حضرت را انکار کنند. در این دروغ آشکار، مبلغان بهائی هم چنین سعی می کنند که میرزا علی محمد باب را به عنوان امام زمان و مهدی موعود معرفی کنند.

احمد یزدانی یکی از مهم ترین مبلغان بهائی در کتاب خود به نام نظر اجمالی در دیانت بهائی، (1-احمد یزدانی: نظر اجمالی در دیانت بهائی/12) میرزا علی محمد باب را قائم، یامهدی موعود یا صاحب العصر والزمان معرفی می کند.

۴-۲. اقرار و اعتراف میرزا علی محمد باب درباره ی امام مهدی (ع)

ادعای موهوم دانستن امام عصر (ع) یا معرفی میرزای باب به عنوان امام زمان، برخلاف آثار و کتبی است که از میرزا علی محمد باب در دسترس ما قرار دارد، (آثاری که از طرف خود مبلغان بهائی معرفی گردیده است). در این آثار وی صریحاً معترف است که وجود مقدس امام عصر (ع) فردی جز محمد بن الحسن فرزند امام حسن عسکری (ع) نیست.

علی محمد باب به دلیل ادعای دروغین باییت، بارها و با صراحت به وجود امام دوازدهم به عنوان فرزند امام حسن عسکری (ع) اقرار و اعتراف کرده و منکران وجود آن حضرت را کافر دانسته است. در این

اعترافات، وی به موضوعات مهمی از قبیل غیبت آن حضرت اشاره می کند و وجود نواب اربعه را در ایام غیبت صغرا (329-260ق.) یادآور می شود. علاوه بر این، وی موضوع طول عمر آن حضرت را ذکر کرده و در مقام اثبات آن برمی آید. در ذیل به چند اقرار وی در این خصوص اشاره می شود.

۴-۲-۱. اعترافات درباره ی وجود آن حضرت

- میرزا علی محمد باب در کتاب صحیفه عدلیه در بخش امامت بیان می کند که بر همه ی موجودات، معرفت دوازده نفس مقدس فرض است. وی امام دوازدهم، فرزند امام حسن عسکری (ع) را چنین معرفی می نماید:

والحجه القائم محمد بن الحسن صاحب الزمان. (1-میرزا علی محمد شیرازی: صحیفه عدلیه/27)

و سپس می نویسد: و شهادت می دهم که قائم آل محمد امام بر حق من است. (همان مدرک/42)

در اولین کتابش به نام تفسیر سوره یوسف (3-عبدالحمید اشراق خاوری: ریحق مختوم 22/1، تفسیر سوره یوسف اولین کتاب میرزا علی محمد می باشد که به أحسن القصص و یا قیوم الأسماء نیز معروف است. بخش اول این کتاب را اشراق خاوری مبلغ مشهور بهائیان در ریحق مختوم آورده است) نیز می نویسد:

الله قد قدر أن یخرج ذالک الکتاب فی تفسیر أحسن القصص من عند محمد بن الحسن بن علی... تا علی

بن اَبی طالب. (4- نام تمام ائمه علیهم السلام را از امام زمان (محمد بن الحسن) تا حضرت علی علیهم السلام ذکر می نماید.)

ترجمه: به تحقیق خدا مقدر کرده است که خارج کند این کتاب را درباره ی تفسیر أحسن القصص (سوره یوسف) از نزد محمد بن الحسن... بر بنده اش، برای این که حجت خدا بر مردم باشد.

در کتاب دیگرش به نام تفسیر سوره ی کوثر، (1-میرزا علی محمد شیرازی:تفسیر سوره ی کوثر /88) درباره ی غیبت حضرت مطلبی آورده که خلاصه و ترجمه ی آن چنین است:

فلا شك في وجودالامام الغائب المستور سلام الله عليه.

ترجمه:پس شکی در وجود امام قائم غایب نیست. محققا

وجود او هم چون آفتاب در وسط ظهر ظاهر و هویدا است.

و ادامه می دهد:

هر کس درباره ی او شک نماید، در قدرت خدا شک نموده

که به تحقیق کافر شک زده ای است.

۴-۲-۲. نظر راجع به طول عمر حضرت مهدی(ع)

میرزا محمد علی طول عمر امام زمان(ع) را تأیید ،وبه صراحت بر طول عمر آن حضرت استدلال می

کند؛ از جمله: (2-بخش دوم این اقرار در کتاب اسرار الآثار خصوصی 7/2 آمده است)

در تفسیر سوره ی بقره، مطلبی را بیان می نماید که ترجمه ی آن این است:

به درستی که ائمه(علیهم السلام)جسم ظاهریشان قوی تر از

قلوب بهشتیان است اگر نبود کسی که آن ها را بکشد هیچ

گاه نمی مردند زیرا بدن های آن ها معتدل است و تغییر در

آن ها راه ندارد ولذاست که حجت خدامحمد بن الحسن(ع)

زنده است. (1- میرزا علی محمد شیرازی: تفسیر سوره ی بقره/126)

میرزا محمد علی در کتاب تفسیر سوره ی کوثر درباره ی طول عمر امام زمان (ع) از امام صادق (ع) حدیثی را نقل کرده که بخشی از ترجمه ی آن این است:

واما بنده ی صالح خضر (ع)؛ به درستی که خداوند عمر او را
برای نبوت و نسخ شریعت پیامبران گذشته و نیز امامت و
رهبری بر مردم نمی باشد؛ بلکه به درستی که خداوند تبارک
و تعالی چون در علمش چنین مقدر شده بود که عمر امام
زمان (ع) را در ایام غیبت به آن مقداری که مقدر است طولانی
نماید و چون می دانست که بندگانش نسبت به طول عمر امام
زمان (ع) ایراد وانکار می نمایند، لذا عمر خضر را طولانی کرد
تا به طول عمر او، به عمر حضرت قائم استدلال نمایند و بدین

وسيله دليل دشمنانش را قطع کند. (2- میرزا علی محمد شیرازی: تفسیر سوره ی کوثر/123)

سپس درباره ی غیبت صغرا و نواب اربعه و غیبت کبرای امام زمان (ع) توضیح می دهد و اضافه می کند که
هر کس به چهار نفر نواب خاصه ی آن حضرت اقرار و ایمان نداشته باشد و آنان را انکار کند، کافر است.
میرزا حسین علی نیز بر طول عمر حضرت نوح و هود علیهما السلام تصریح می کند. (1- میرزا حسین علی

نوری: ایقان/5 و 7)

۴-۲-۳. نواب اربعه و اهمیت اطاعت از آنان

میرزا علی محمد باب درباره ی نواب اربعه چنین می نویسد: (2-میرزا علی محمد شیرازی: صحیفه عدلیه، 6)

اگر کسی عمل کرده باشد به دین حضرت رسول(ص) و به ولایت اهل بیت عصمت(عم) اقرار داشته، لیکن از حکم حسین بن روح که یکی از وکلای ایام غیبت صغری بوده است، تمرد نموده باشد عمل های او کلا هباء منثورا(باطل و بی ارزش) است.

میرزا علی محمد در بیان فارسی، عبارت اسماء ابواب اربعه را به کار می برد. (3-میرزا علی محمد شیرازی: بیان

فارسی /7) برای توضیح منظور خویش، آخر کتاب، در بخش لغات و اصطلاحات، صفحه ی 2 می نویسد:

اسماء ابواب اربعه چهار نفر نایب خاص امام زمان(ع) در غیبت صغری به اسامی -عثمان بن سعید و پسرش

محمد بن عثمان و شیخ ابوالقاسم حسین بن روح و علی بن محمد سیمری بوده است. (4-میرزا علی محمد

شیرازی: بیان فارسی، لغات و اصطلاحات /2)

ده ها مورد دیگر درباره ی امام زمان و ویژگی های آن حضرت توضیح داده است تا بتواند بایست

دروغین خود را به مردم عوام بقبولاند. به دلیل جلوگیری از طولانی شدن مطالب از ذکر موارد دیگر

پرهیز می شود.

4-3. اعترافات میرزا علی محمد باب در ابلاغیه ی الف

وأشهد أن اليوم كان حجتك محمد بن الحسن صلواتك عليه وعلی من اتبعه.

ترجمه: وگواهی می دهم که امروز، حجت خدا حضرت محمد بن الحسن که صلوات خدا بر او و پیروانش باد، می باشد.

وأشهد أن بعد الأبواب الأربعة ليس له باب.

ترجمه: و شهادت می دهم به درستی که بعد از باب های

چهارگانه، برای او باب دیگری نمی باشد.

۵- خاتمیت اسلام و بهائیت

۵-۱. پیامبر دانستن باب و بهاء توسط رهبران بهائی و همه ی مبلغان

احمد یزدانی یکی از مبلغان بهائی درباره ی ادعای باب چنین می نویسد:

در سال 1260 (ه ق.) در شیراز از برای جناب ملاحسین بشرویه ای اظهار امر و بیان بعثت خود را

فرمود. (1- احمد یزدانی: نظر اجمالی در دیانت بهائی/ 12)

و در صفحه ی 45 می نویسد:

میرزا حسینعلی بهاء در سال 1279 (ه ق) علناً اظهار امر نمود. (2-احمد یزدانی: نظر اجمالی در دیانت بهائی/12)

عباس افندی، میرزا علی محمد (حضرت اعلی) و میرزا حسین علی (جمال مبارک) را در ردیف پیامبران صاحب شریعت مستقل معرفی می نماید. (3-عباس افندی: مفاوضات/124) خلاصه این که به هر بهائی القا می نمایند که پیرو آیین جدید و پیامبر جدید می باشند.

۵-۲. خاتمیت اسلام در آثار سران بهائیت

در کنار این ادعاهای دروغین، در آثار دیگری از سران بهائیت، خاتمیت پیامبر اسلام (ص) تأیید شده است، و نبوت را از میرزا علی محمد و میرزا حسین علی سلب نموده اند:

میرزا علی محمد پس از نسخ شرایع قبل نتیجه گیری می نماید که شریعت مقدسه ی اسلام نسخ نخواهد شد:

بل حلال محمد (ص) حلال الی یوم القیامه و حرام محمد (ص) حرام الی یوم القیامه. (1-میرزا علی محمد شیرازی: صحیفه عدلیه/5)

میرزا علی محمد در ابلاغیه ی الف خود اعتراف می کند:

من ادعای وحی نکرده ام. و کسانی نسبت داده اند که من ادعای ولایت و نبوت و رسالت کرده ام؛ خداوند به آنچه افترا زده اند ایشان را بکشد. (2-فاضل مازندرانی: اسرار الآثار خصوصی/180/1).

عبدالحمید اشراق خاوری مبلغ معروف بهائی می نویسد:

جمال مبارک میرزا حسینعلی در ضمن جمله ی مزبور (اینکه خداوند حضرت محمد (ص) را خاتم النبیین فرموده) توضیح می دهد که مقام این ظهور عظیم (یعنی خودش) از مظاهر سابقه بالاتر است زیرا نبوت به ظهور حضرت محمد (ص) ختم گردیده و این دلیل است که ظهور موعود عظیم (میرزا حسینعلی) ظهور الله است (یعنی خدا ظاهر شده) و دوره ی نبوت به حضرت محمد (ص) منطوی و پیچیده گردید. (1- عبدالحمید اشراق خاوری: ریحیق مختوم 78/1)

میرزا حسینعلی بهاء در مورد حضرت رسول اکرم (ص) نوشته است:

أصلوه والسلام على سيد العالم ومربي الامم الذى به إنتهت الرساله والنبوه وعلى اله وأصحابه دائماً أبدا
سرمد. (2- میرزا حسینعلی نوری: اشراقات / 193).

ترجمه: سلام و درود براقای اهل عالم و پرورش دهنده ی امت ها، کسی که به او نبوت و رسالت پایان یافته و بر خاندان و یاران سلام و درود دائمی و ابدی و سرمدی باد.

موارد بسیار دیگری که ضمن تأیید خاتمیت پیامبر اسلام، خود را ظهور الله خوانده است. جالب این جاست که عباس عبدالبهاء نه تنها از حقایق اسلامی بی خبر بوده، بلکه گفتار پدر را نیز فراموش کرده است و باب و بهاء را چنان که قبلاً گفته شد، در صف پیامبران معرفی کرده است. حال باید از عباس عبدالبهاء و مبلغان بهائی و پیروانشان پرسید به چه جرأت، نبوت و پیامبری را به میرزا علی محمد باب و میرزا حسین علی نسبت می دهند؟!

۶. نفی اصل توحید توسط سران بهایی

۶-۱. ادعای خدایی باب

- میرزا علی محمد خود را خدای مهیمن قیوم معرفی می نماید. (1. لوح وصیت نامه میرزا علی محمد در سفارش به جانشینی

میرزایحیی، صفحه 6)

- میرزا علی محمد خود را ذات خدا و وجود او می شمارد. در بیان عربی می نویسد:

إن علی قبل نبیل ذات الله و کینونیته. (2. میرزا علی محمد شیرازی: بیان عربی، بخش دوم به نام لوح هیکل الدین/5)

ترجمه: به درستی که علی قبل نبیل (علی محمد) ذات خدا هستی اوست.

- میرزا حسین علی با شدت و تأکید هر چه تمام تر میرزا علی محمد را رب اعلی معرفی می

کند. (3. میرزا حسین علی نوری: بدیع/43)

مقام میرزا علی محمد از نظر عبدالبها، الوهیت شهودی (خدای دیدنی) است. (1. تاریخ

صدر الصدور/207، از قول عبدالبها)

۶-۲. ادعای الوهیت میرزا حسین علی بهاء

میرزا حسین علی پاره فراتر می گذارد، خدای یگانه را انکار می کند و خود را معبود یگانه ی مورد پرستش

دیگران قرار می دهد:

- میرزا حسین علی می نویسد:

بشنو آنچه که وحی می شود از محل بلا بر سر زمین رنج و سختی (زندان عکا)...

إنه لا إلا أنا المسجون الفريد. (2. میرزا حسین علی نوری: مبین/286، چاپ قدیم؛ ومبین/229، چاپ جدید).
ترجمه: به درستی که نیست خدایی، جز من زندانی تنها.

عبدالبهاء، میرزا حسین علی را «هویت ذات واحدیت وجود»، یعنی حقیقت ذات یکتای پروردگار معرفی کرده و سپس اضافه می کند که این مطلب هیچ تفسیر و تأویل ندارد. (3. تاریخ صدر الصدور/207، از قول عبدالبهاء).

- اشراق خاوری، بیان می کند مقام میرزا حسین علی «ظهور الله» است. (4. ر حیق مختوم/78/1).

- همین مبلغ بهائی در عظمت شب و روز تولد میرزا حسین علی یعنی شب دوم محرم سال 1233 هجری قمری قلم فرسایی نموده و می نویسد:

فیه ولدی من لم یلد ولم یولد. (1. عبدالحمید اشراق خاوری: ایام تسعه/25).

ترجمه: در آن (شب) زاییده شد کسی که هرگز نمی زاید و زاییده نمی شود!

- احمد یزدانی نیز القاب کفرامیزی را به میرزا حسین علی نسبت می دهد، از جمله:

جمال قدم، مالک الوجود، مبعث الرسل، أب سماری، ملک یوم الدین، مکلم الطور. (2. احمد یزدانی: نظراجمالی در دیانت بهائی/72).

- پذیرش خدایی میرزا حسین علی از نظر بهائیان:

قبله ما بهائیان، قبر میرزا حسین علی است در شهر عکا که در وقت نماز خواندن، باید روبه قبر میرزا حسین علی

بایستیم و در قلب متوجه جمال قدم (میرزا حسین علی) باشیم... زیرا مناجات و راز و نیاز ما با اوست و شنونده ای

جزا و نیست و اجابت مننده ای غیراونه! (3. محمد قاینی: دروس الایانه/19).

وموارد بسیار دیگری که سراسر کفر و شرک است. باید توجه داشت که مبلغان بهائی در هنگام بحث و مناظره قادر به جواب گویی نسبت به این مطالب کفر آمیز نیستند، لذا به عرفان بافی می پردازند و برای میرزا حسینعلی مقامی بالاتر از مقام نبوت قایل می شوند؛ در حالی که میرزا حسین علی خود معترف است که:

هرگز مظهري اکبر از انبياء نبوده. (میرزا حسین علی نوری: ایقان/159)

قدری تفکر نما مع آنکه مناعی رتبه تکمیل هیاکل بشریه برتبه نبوت است و اکثر این رتبه بلند اعلی را محال دانسته اند. (میرزا حسین علی نوری: بدیع/119)

نتیجه: بالاترین مقام الاهی بشر، به اقرار میرزا حسین علی نبوت و رسالت است. بنابراین معتقد شدن مقام مظهر الاهی و تجلی خدا و یا مظهر تجلی برای وی، همه بی اساس و پوچ می باشد. در بحث خاتمیت نیز مستدل گشت که مقام رسالت و نبوت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم خاتمه و پایان پذیرفت.

۷- استهزای احکام الاهی توسط باب و بهاء

مبلغان بهائی ادعا می کنند یکی از دست آوردهای جدید بهائیت، تطابق دین با علم و عقل می باشد؛ در حالی که احکام همه ی ادیان الاهی و پیامبران چون از جانب خداوند حکیم بوده است، با علم و عقل در تضاد نیست و هرگز مخالف با علم و عقل فطری نمی باشد. صرف نظر از اینکه علم و عقل بشری در برابر وحی و دین ضعیف است و طبق حکم عقل انسان باید در برابر اوامر خداوند تسلیم باشد.

برخلاف این تبلیغات دروغین، سران بهائی احکامی را ارائه کرده اند که حتی مبلغان بهائی هم تلاش می کنند تا این احکام آشکار نشود و از گفتن آن پرهیز می کنند. برای نمونه به تعدادی از این احکام اشاره می شود:

۷-۱. نمونه هایی از احکام باب در بیان فارسی و عربی

قبل از ذکر نمونه های از احکام این فرقه ضاله، لازم به تذکر است که در بهائیت تفسیر و تأویل ممنوع و حرام است. میرزا علی محمد باب می نویسد: (1-میرزا علی محمد شیرازی: بیان فارسی/201)

إذن نیست از برای احدی که نفسیر کند به آنچه در بیان نازل شده.

هم چنین در کتاب گنجینه ی حدود و احکام (2-عبدالحمید اشراق خاوری: گنجینه ی حدود و احکام/340، باب 54) بخش مستقلی تحت عنوان «در نهی از تأویل کلمات الهیه» دارد. ابتدا مدارکی از کتاب بیان فارسی باب را مرور می کنیم:

همه ی کتب عالم را جز کتاب های من محو و نابود کنید. (میرزا علی محمد شیرازی: بیان فارسی/198)

اجازه داده نمی شود کسی جز کتاب بیان چیز دیگری را تدریس نماید. (همان مدرک/130)

(باید تمام تحقیقات علمی تعطیل شود.)

اموال کسانی که به من ایمان ندارند گرفته و مصادره نمایند. (میرزا علی محمد شیرازی: بیان فارسی/157)

هر پادشاهی که بر دین بیان باشد باید کسی را که به بیان ایمان ندارد بکشد و بر روی زمین نگذارد. (6- همان مدرک/262)

از جمله ی مطهرات را هوا نام می برد. (1- همان مدرک/173) (اگر هوا طاهر کننده باشد، دیگر چیز نجس معنا ندارد) در امر تنبیه می نویسد:

اگر معلمی دانش آموزی را بیش از 5 ضربه تنبیه نماید، 19 شب همسرش بر او حرام است. (2- همان مدرک/217)

نهی شده از مسکرات و هر چه حکم دوا بر او شود مطلقا. (3- همان مدرک/324)

(با این حساب باید کلیه ی فعالیت های پزشکی و بهداشتی و دارو سازی به حال تعطیل در آید.)

بر هر کس واجب است ازدواج نماید و بچه دار شود. حال اگر از مرد فرزندی حاصل نشد، زن می تواند به اذن شوهرش به دیگری مراجعه کند، و برای مرد اول، فرزند بیاورد. (4- همان مدرک/298)

بیان عربی هم سرشار از همین احکام است؛ از جمله:

سوار گاو نشوید، بر آن چیزی بار نکنید، شیر الاغ نوشید، سوار حیوانی نشوید مگر بادهنه و رکاب و بر آن چیزی بار نکنید، تخم مرغ را به چیزی نزنید که محتویات آن خراب می شود. (5- میرزا علی محمد شیرازی: بیان عربی/49)

بر شما باد که دوا و مسکرات و نوع آنها را نه مالک شوید و نه بفروشید و نه بخرید و نه استعمال کنید. (1- میرزا علی محمد شیرازی: بیان عربی/42)

این احکام آن قدر بی جا و بی معناست که عباس افندی درباره ی آن می نویسد:

در یوم ظهور حضرت اعلی (میرزا علی محمد که او را پیغمبر می داند) منطق بیان ضرب اعناق و حرق کتب و اوراق و هدم بقاع و قتل عام می داند. (2-عباس افندی: مکاتیب 2/266)

یعنی احکام باب بر چهار اصل استوار است:

زدن گردن ها، سوزاندن کتب، نابودی بقعه ها، کشتار عمومی.

سپس اضافه می کند که در دوره ی میرزا حسین علی بهاء این کارها ممنوع می باشد.

در برابر این احکام، مبلغان بهائی می گویند: «ما بابی نیستیم، بهائی هستیم.» در حالی که میرزا علی محمد باب، پایه و اساس ادعاهای میرزا حسین علی بهاء می باشد. همچنین ادعا می کنند که احکام باب توسط میرزا حسین علی بهاء نسخ شده است. این مبلغان در حال این تهمت را بر میرزا حسین علی می زنند که خود او در آثارش چندین بار نسخ بیان را مردود می داند:

نسبت داده اند که احکام بیان نسخ نموده ألا لعنه الله علی القوم الظالمین. (3-میرزا حسین علی نوری: اقتدارات/103)

وی لعنت می کند کسانی را که بگویند بیان نسخ شده است.

بیان فارسی مخصوصا در این ظهور امضا شده. (1-میرزا حسین علی نوری: اقتدارات/45)

با وجود تمامی این توجیها، به یک اصل مسلم در بهائیت باید توجه شود:

آثار والواح و کتب باب و بهاء مجموعه معارف رسمیه مقدسه بهائیت است. (2-احمد یزدانی: نگاه اجمالی در دیانت بهائی/145)

در مقابل این مزخرفات میرزا علی محمد در کتاب بیان و احکام باب، سران بهائی به کتاب اقدس تکیه می نمایند که آن هم دست کمی از احکام کتاب بیان ندارد:

7-2. نمونه هایی از احکام کتاب اقدس میرزا حسین علی بهاء

- بعضی مردم اراده ی آزادی می کنند و به آن افتخار می کنند در حالی که آن ها در جهالت و نادانی

آشکار می باشند. (3- میرزا حسین علی نوری: اقدس / 33)

- آن گاه که اراده ی نماز کردید روبه من نماز بخوانید. (4- همان مدرک / 3)

دستور نماز 9 رکعتی می دهد. وقتی از عبدالبهاء می پرسند نماز 9 رکعتی چگونه است؟ می گوید:

- «نماز 9 رکعتی و بعضی احکام دیگر را برادرم محمد علی افندی وصی دوم میرزا حسینعلی دزدیده

است. (1- همان مدرک / 3)

- حج، یعنی زیارت خانه ی میرزا علی محمد باب در شیراز بر مردان واجب است. (2- همان مدرک / 10)

- مهریه ی دختری که با مرد شهرنشین ازدواج می کند، 19 مثقال طلا ولی مهریه دختری که با مرد

روستایی ازدواج می کند، 19 مثقال نقره است. (3- همان مدرک / 19)

- همانا در ازدواج فقط زن پدر حرام است. (4- همان مدرک / 30)

از حرمت ازدواج با سایر محارم در کتب احکامی باب و بهاء ذکر به میان نیامده است؛ عبدالبهاء: اصلی را

مطرح می کند و می گوید که عدم ذکر حکم حرمت دلیل بر جواز است:

عدم ذکر در الواح الاهی نفس جواز است زیرا منهی از نصوص استنباط می شود. (5- عبدالحمید اشراق

خاوری: مائده آسمانی / 2/ 42)

(بنابراین، ازدواج با سایر محارم در بهائیت نهی نشده است.)

– هر گاه پسر و دختری مرتکب زنا شدند 9 مثقال طلا به بیت العدل بدهند و اگر زن و مرد متأهل باشند

حکمی ندارد. (6- میرزا حسین علی نوری: اقدس / 15)

– حکم نجاست از همه چیز برداشته شد یعنی دیگر هیچ چیز نجس نمی باشد. (1- همان مدرک / 22)

– اگر کسی خانه ای را بسوزاند او را بسوزانید. (2- همان مدرک / 18)

تقسیم ارث را به شکلی عجیب معین نموده که بدین صورت است:

0 خانه ی مسکونی و لباس های شخص فوت شده فقط مخصوص پسر ارشد می باشد و دختران و بقیه

پسران از آن سهمی ندارند. (3- همان مدرک / 8) بقیه ما ترک به نحو ذیل تقسیم می گردد.

فرزند 540 سهم، همسر 480 سهم، پدر 480 سهم، مادر 420 سهم. برادر 360 سهم،

خواهر 300 سهم، معلم 180 سهم (4- همان مدرک / 7) (کدام معلم، چه مقطعی، چه مدت و به چه تعدادی همه

مجهول است.)

۸- دست های پنهان و آشکار استعمار در پیدایش

فرقه بابی گری و بهائی گری

همان گونه که در بند 2-1 در باره ی پیدایش بایه و بهائیه اشاره گردید، دلایل و شواهد زیادی بیانگر آن

است که دست های پنهان و آشکار استعمار در پیدایش فرقه بایه و بهائیه و پشتیبانی و تداوم آن ها در

کار بوده وهست. در ذیل، به بعضی از مدارک اشاره می گردد که نقش دول استعماری را در به وجود آوردن فرقه بایه و بهاییه روشن می سازد:

عکس برداری کنسول روس از جسد علی محمد باب:

روز ثانی قونسول روس با نقاش حاضر و نقش آن دو جسد (میرزا علی محمد و یکی از پیروانش) را به وضعی که در کنار خندق افتاده بودند، برداشت. (1-عباس افندی: مقاله شخصی سیاح/49)

بعد از نافر جام ماندن ترور ناصرالدین شاه، میرزا حسین علی توسط کارگردانان برنامه ی ترور، مورد حمایت قرار گرفت:

روز بعد با نهایت متانت و خونسردی (میرزا حسین علی) به جانب نیاوران مقر اردوی سلطنتی رهسپار شدند... وشوهر همشیره میرزا حسینعلی، میرزا مجید که در خدمت سفیر روس، پرنس دالگورکی سمت منشی گری داشت... ایشان را به منزل خویش دعوت نمود. (1-شوقی افندی: قرن بدیع 33/2)

شاه از استماع این خبر غرق دریای تعجب و حیرت شد و معتمدین مخصوص به سفارت فرستاد تا آن وجود مقدس (میرزا حسینعلی)... را تحویل گرفته و نزد شاه بیاورند سفیر روس از تسلیم حضرت بهاءالله (میرزا حسینعلی) امتناع ورزید... واز صدر اعظم خواست که امانتی را که دولت روس به وی می سپارد در حفظ و حراست او بکوشد. (2-شوقی افندی: قرن بدیع 33/2)

وساطت سفیر روس در آزادی میرزا حسین علی بهاء:

از یکطرف وساطت و دخالت پرنس دالگورکی سفیر روس در ایران که به جمیع وسائل در آزادی حضرت بهاءالله بکوشید. (3-شوقی افندی: قرن بدیع 83/2)

دستور حکومت ایران بر تبعید میرزا حسین علی به عراق و همراهی نماینده سفارت روس با وی:
حکومت ایران بعد از مشورت به حضرت بهاءالله امر کرد تا یک ماه دیگر ایران را ترک نماید و به بغداد
برود.

وادامه می دهد:

سفیر روس از میرزا حسینعلی تقاضا کرد که به روسیه بروند و ایشان قبول نمود و در سال 1269 هجری
به بغداد عزیمت فرمودند. مأمورین دولت ایران و نمایندگان قنصل روس تا بغداد با حضرتش همراه
بودند. (1- عبدالحمید اشراق خاوری: تلخیص تاریخ نبیل/657)

تشکر میرزا حسین از پادشاه روس:

میرزا حسین علی در لوحی که به افتخار امپراتور روس نیکلایویچ الکساندر دوم نازل فرمودند، می نویسد:
ترجمه: ای پادشاه روس... به تحقیق یکی از سفیرانت هنگامی که در زندان اسیر غل و زنجیر بودم مرا
یاری کرد. برای این کار، خداوند به تو مقامی را نوشته است که علم هیچ یک به آن احاطه ندارد. مبدا که
این مقام بزرگ را تبدیل نمایی. (2- شوقی افندی: قرن بدیع 86/2-87)

باید دانست که در روسیه انقلاب شد و روسیه تزاری منقرض گردید.

شهریه گرفتن میرزا حسین علی از دولت روس:

قسم به جمال قدم که اول ضری که بر این غلام وارد شد این بود که قبول شهریه از دولت (روسیه) نمود.

(1- میرزا حسین علی نوری: الواح مبارکه/159)

بعد از انقراض روسیه تزاری، عبدالبهاء و بهائیت در هدمت دولت انگلستان قرار می گیرند و به نفع

او جاسوسی نموده و لقب «سر» و نشان پهلوانی «نایب هود» دریافت می کنند. (2- شوقی افندی: قرن بدیع 3/269 به بعد).

عبدالبهاء به جرج پنجم پادشاه انگلیس دعای کند:

ترجمه: خدایا امپراطور بزرگ ژرژ پنجم پادشاه انگلستان را به توفیقات رحمانی خود مؤید بدار. (عباس

افندی: مکاتیب 3/377)

تجلیل عبدالبهاء از انگلستان:

آمدن من اینجا سبب الفت بین ایران و انگلستان است. ارتباط تام حاصل می شود و نتیجه به درجه ای می

رسد که به زودی از افراد ایران، جان خود را برای انگلیس فدای کنند و همین طور انگلیس. (4-عباس

افندی: خطابات 1/23)

شاهد این مطلب جنگ خانمان سوز جهانی دوم که به کشور بی طرف ایران حمله نمودند و هزاران نفر از

افراد مملکت ما را به خاک و خون کشیدند.

ابراز هم دردی چرچیل نخست وزیر انگلستان در مرگ عبدالبهاء:

وزیر مستعمرات انگلستان چرچیل به مجرد انتشار خبر فوت عبدالبهاء تلگرافی مخابره می نماید

و مراتب همدردی و تسلیت حکومت انگلستان را به جامعه بهائی ابلاغ می نماید. (1- شوقی افندی: قرن بدیع 3/321)

رویکرد بهائیت به آمریکا با مطرح شدن این کشور در صحنه سیاست بین المللی:

عبدالبهاء در سفرش به آمریکا ر یک سخنرانی چنین آرزو می کند:

از برای تجارت و منفعت آمریکا مملکتی بهتر از ایران نه، چه که مملکت ایران مواد ثروتش همه در زیر خاک پنهان است. امیدوارم ملت آمریکا سبب شوند که آن ثروت ظاهر شود. (2-عباس افندی: خطابات 33/2)

پیوند بهائیت و صهیونیسم و استعمار:

روحیه ماکسول همسر آمریکایی شوقی چنین می گوید:

سرنوشت آینده ی اسرائیل و بهائیکری چون حلقه های یک زنجیر به هم پیوسته است. (3-مجله اخبار امری، دی ماه 1340، مصاحبه ی روحیه ماکسول با «فرد هیفت»)

این فرقه ضاله تا آن جا برای استعمار مزدوری کردند که ویکتوریا ملکه ی انگلیس از میرزا حسین علی برای رفتن به هندوستان دعوت می کند. (4-شوقی افندی: قرن بدیع 132/2) حکومت فرانسه نیز از عباس افندی می خواهد تا مبلغان بهائی را به الجزایر و تونس بفرستد. (5-عبدالحمید اشراق خاوری: مائده ی آسمانی 47/9، به نقل از عباس افندی.)

میرزا حسین علی در راستای جلوگیری از نهضت های آزادیبخش ضد استعماری می نویسد:

آن کسانی که اراده حریت و آزادی نمایند، در جهالت و نادانی آشکار می باشند. (1-میرزا حسین علی نوری: اقدس 33/3)

هم چنین بهائیت، جها را حرام می داند و با اصل امر به معروف ونهی از منکر مخالف است و آن را ممنوع می شمارد.

هم چنین بهائیان حق اعتراض بر هیچ حکومتی را ندارند ولذا مطرغ حکومت های استعمار گر ودست نشانده می باشند.

علاقمندان برای توضیح بیش تر در مورد نقش دول استعمار گر در ایجاد، توسعه وحمايت از فرقه بهائیه، به کتاب بابی گری وبهائی گری و کتاب پرنس دالگورکی مراجعه نمایند.

۸-۱. بهائیت ابزار دست انگلیس

پس از انقلاب اکتبر وبرچیده شدن حکومت روسیه س تزاری،عباس افندی با هم دستانش با دولت استعمارگر انگلیس ارتباط برقرار کرده وانگلیس ایشان را در پوشش حمايت خود قرار داد. عبدالبهاءدر خاک عثمانی به سود انگلستان جاسوسی می نمود تاآن جا که فرمانده ی کل قوای عثمانی در جنگ جهانی اول تصمیم گرفت او را به دار آویزد،اما دولت انگلیس مانع از اعدام وی شد.

۸-۲. حمايت آمریکا از فرقه ی ضاله بهائیه

مناسب است به نمونه ای از حمايت امریکا از مسلک منحرف بهائی بعداز انقلاب اشاره شود: پس از آن که چند نفر از سران این فرقه به جرم جاسوسی در دادگاه انقلاب اسلامی محکوم شدند،ریگان رئیس جمهور وقت امریکا به طور صریح از بهائیان دستگیر شده حمايت نمود.

امام خمینی(ره) طی نطقی کوبنده جانبداری ریگان از بهائیان دستگیر شده را دلیل بر جاسوسی و وابستگی سیاسی آنان به امریکا شمردند:

اگر ما دلیل نداشتیم به این که این ها جاسوس امریا هستند، جز طرفداری ریگان از آن ها ودلیلی نداشتیم که حزب توده جاسوس هستند، جز طرفداری شوروی از آن ها(برای اثبات مدعای ما) کافی بود. بهائی ها یک مذهب نیستند، یک حزب هستند. حزبی که در سابق انگلستان پشتیبانی آن ها را می کرد و حالا هم امریکا دارد پشتیبانی می کند. این ها هم جاسوسند مثل آن ها.

۸-۳. بهائیت، دست مرموز اسرائیل و امریکا در کشورهای اسلامی

در دوره ی شوقی افندی سومین پیشوای بهائیان، رابطه ی این فرقه با آمریکا و صهیونیسم نیرومند تر شد. در این دوره نقش جاسوسی در کشورهای اسلامی، به سود صهیونیسم اسرائیل نیز به برنامه های بهائی گری افزوده گشت. بهائیان، حافظ منافع و موقعیت امریکا و صهیونیسم شدند و امریکا، اسرائیل و غالب دول غربی نیز حامی موجودیت بهائیت گشتند.

بنابراین دولت های استعمار گز باهدف نابودی اعتقاد جنبش آفرین انتظار و مبارزه با شریعت حیات بخش اسلام، بهائی گری به وجود آورده و از آن حمایت کردند و در سایه ی مرام شوم و ناروای این مسلک کوشیدند کیان اسلام و روحانیت کشور ما را به خطر اندازند تا در نهایت، از مردم مسلمان منتظر و مبارز و شیردل a، مردمانی فاسد و سرسپرده و دور از معارف نورانی اسلام بسازند.

۸-۴. وظیفه‌ی دیگر فرقه‌ی بهائیت: بدنام کردن روحانیت و مرجعیت شیعه

نقش دیگر و خطرناک بهائیت، بدنام کردن روحانیت و مرجعیت و گسیختن رابطه‌ی ملت با آن هاست. اینان بودند که در دوران سلطنت محمد شاه قاجار، عالم نامدار و بزرگوار مرحوم ملا محمد تقی قزوینی (شهید ثالث) را که مخالف افکار شیخیه و بابیه بود، در سحرگاهان در محراب مسجد و در حال نماز شب ترور کرده، به شهادت رساندند و گریختند.

در اکثر کتاب‌های این فرقه، زشت‌ترین ناسزاها را به رهبران دینی شیعه می‌بینیم. نمونه‌ای از این ناسزاگویی‌ها در مکتوبات عباس افندی و نوشته‌های میرزا حسین علی به عنوان مشتی از خروار، موجود است. (1-حمید اشراق خاوری، مائده‌ی آسمانی 194/5، به نقل از عباس افندی)

خاتمه

این نوشتار ارائه‌ی گوشه‌ای از توطئه‌ای می‌باشد که دیبگانه و استعماگران برای ما فراهم کرده‌اند و در نتیجه‌ی آن جمعی از هم‌وطنان ما را فریب داده و به خود جلب نموده‌اند. امید است آن‌کس که به فکر سرنوشت و آینده‌ی خویش و فرزندانش و خانواده‌ی خود می‌باشد و می‌داند روزی در محکمه‌ی الهی حضور می‌یابد تجدید نظر کرده، تحری حقیقت واقعی نماید و به هدایت الهی راه یابد و ندانسته‌ی آلت دست دشمنان دین و مملکت قرار نگیرد.

ما به یاری پروردگار و توجیهان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمادگی خود را برای مباحثه ی
دوستانه براساس برهان و علم در کمال صمیمیت و دور از تعصبات نابجا با هر مبلغ بهائی اعلام می داریم.

* * *

www.bahaismIran.com



منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

bahaismIran@bahaismIran.com

bahaismIran@gmail.com

info@bahaismIran.com

bahaismIran@yahoo.com